

مبانی

اصطلاحنامه علوم اسلامی

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه)

محمد‌هادی یعقوب نژاد

افزایش اطلاعات و لزوم نظام مند کردن آن

برآورد دانشمندان از ظرفیت حافظه انسان بسیار متفاوت است رقمی که ذکر می‌کنند غالباً بین ۱۰۱۲ تا ۱۰۱۵ بیت است. بزرگی این رقم چقدر است؟ یک دائرةالمعارف ۵۱ جلدی مجموعاً ۴×۱۰^۸ بیت ظرفیت دارد که بخش خیلی اندکی از ظرفیت مغز انسان است. اگر کسی بخواهد در مدت هفتاد سال عمرش با روزی ده ساعت کار حافظه‌اش را پر کند، فقط می‌تواند حداکثر ۳۰×۱۰^۹ بیت اطلاع را ذخیره نماید. البته اگر هیچ اطلاعی را فراموش نکرده باشد. این مقدار اطلاع $\frac{1}{1000}$ کل ظرفیت حافظه انسان است. البته اگر کل ظرفیت آن را ۱۰۱۲ بدانیم و اگر ظرفیت ۱۰۱۵ فرض شود، از $\frac{1}{1000000}$ تجاوز نمی‌کند. پس انسان از بخش بی‌نهایت کوچکی از تواناییهای طبیعی مغزش استفاده می‌کند.

محققان می‌گویند هیچ کس نمی‌تواند در همه عمرش بیش از دو یا سه هزار کتاب بخواند؛ اما در مدتی که مطالعه می‌کند به طور تقریبی بیش از بیست میلیون کتاب بر تعداد کتابها افزوده خواهد شد.

پس انسان به طور متوسط می‌تواند از هر ده هزار کتاب یک کتاب را بخواند. در کنار کتاب، در سراسر جهان یک میلیون مجله، چندین میلیون مقاله و... منتشر می‌شود و می‌گویند در سال دو هزار جریان اطلاعات سی برابر افزایش خواهد یافت. اگر همه این ارقام را جمع کنیم هر هفته به ازای هر دانشمند و

محقق هزار و ششصد صفحه منتشر می‌شود. با وصف این آیا محقق خواهد توانست اندیشه‌هایی را که دیگران دارند به دلخواه انتخاب کند؟ و تازه مجالی برای کار خود و طرح اندیشه‌هایش پیدا خواهد کرد؟!^۱

عدم توازن میان تواناییهای انسان و جریان سریع اطلاعات، ضرورت راهها و وسایل تازه‌ای را برای نظام مند کردن اطلاعات و بهبود نظام اطلاع‌رسانی مورد تأکید قرار می‌دهد تا با ملاحظه شرایط زمان و گسترش اطلاعات و دانشها، برنامه‌ای ارائه شود که در کمترین زمان حداکثر استفاده را ممکن سازد.

علی(ع) فرموده است: «العمر قصیر والعلم کثیر، فخذوا من کلّ علم ظرّوفه، ودعّو فضوله». یعنی عمر کوتاه است و دانش فراوان پس از هر دانشی خوبهائیش را بگیرید و زوایدش را رها کنید.^۲

استفاده از نمایه‌ها، چکیده‌نویسی، خلاصه‌ها، گزیده اطلاعات، مقالات تخصصی برای صرف حداقل وقت و بهره‌گیری حداکثر از آن است.

تردید نیست که تمامی مراکز اطلاعات-اعم از کتابخانه‌های دانشگاهی، حوزوی، عمومی، تخصصی، مراکز اسناد و مدارک، مراکز اطلاع‌رسانی و مانند آنها- که مواد خام را

۱. برگرفته از کتاب اطلاعات و ارتباطات، تألیف و ترجمه عبدالعزیز آذرنگ، مقاله نیکلای نتانوف پتروویچ.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۴۱۵.

در اختیار می‌گذارند، حوزه فعالیت واحدی دارند که عبارت است از بهبود امر اطلاع رسانی. یعنی رساندن اطلاعات لازم و مناسب به جوینده مناسب و با روشی مناسب - اطلاعاتی که تهیه می‌شود، به شکل پراکنده، قابل استفاده نیست، بلکه باید آنها را به گونه‌ای تنظیم کرد که طبق سیاستی مشخص و به شکلی همگون در جهتی واحد قرار گیرد. و این رسالت نظام اطلاع رسانی است که یافته‌های پراکنده را به شیوه‌ای گردآوری کند و سامان دهد که بتوان آنها را به منزله مجموعه‌هایی انعطاف پذیر به تناسب مقاصد و اهداف گوناگون ارزیابی کرد.^۳ اگر این رسالت صحیح انجام نشود، اطلاعات، ارزش کاربردی نخواهد داشت و اطلاع رسانی در خدمت دانش نخواهد بود؛ چون دانش در واقع ترکیبی سازمان یافته از اطلاعات است. اطلاعات غیرمنظم نمی‌تواند در دانش و یا ساخت ذهنی افراد تأثیر کند و در آن تحول و کمالی به وجود آورد.

اصطلاحنامه در علم اطلاع رسانی یکی از بهترین راهها برای نظام دادن به اطلاعات پراکنده‌ای است که در متون و منابع و یا در قالب چکیده‌ها، نمایه‌ها و ... قرار گرفته‌اند. استفاده از این سیستم، مؤثرترین شیوه برای بهره‌برداری بهتر و بیشتر از وقت دانش پژوهان و محققان است.

گذری بر اوضاع اطلاع رسانی مسلمانان

خوشبختانه امر اطلاع رسانی در کنار دیگر حوزه‌های علوم و فنون و در سطح دنیا از رشد قابل توجهی برخوردار است و تدبیرهای ارزشمندی در بهبود اطلاع رسانی اندیشیده شده است.

اما جامعه اطلاع رسانی مسلمانان - که امانتداران فرهنگ، تمدن و دانش جامعه اسلامی می‌باشند و رسالت گردآوری و ساماندهی آن را به عهده گرفته‌اند. در حال حاضر - که جریان مسلط و چهره شاخص آن، اطلاعات است و لذا این دوره را به نام «عصر اطلاعات» نامگذاری می‌کنند - مسؤلیتی دشوارتر بر دوش دارد. کشورهای اسلامی با استفاده از امکانات دولتی و نیرومند باید به پژوهشهای بنیانی و کاربردی در تمام حوزه‌های فعالیت علمی بشری پردازند. اخبار نگران کننده‌ای وجود دارد که بنیانهای پژوهشی ما را توانمند جلوه نمی‌دهد. پژوهشهایی که در جهان اسلام و به دست مسلمانان صورت می‌گیرد، علی‌رغم گذشته درخشان پژوهشی در این مکتب، در حال حاضر چندان رضایتبخش نیست.

مورخانی همچون جورج سارتون (مورخ علم) که دوره‌هایی

برای تاریخ علم معین کرده و هر دوره‌ای را با نام یکی از برجستگان علم نامگذاری می‌کند، از سال ۷۵۰ تا ۱۱۰۰ میلادی، یعنی ۳۵۰ سال از تاریخ علم را، به نامهایی چون جابر، خوارزمی، رازی، مسعودی، ابوالوفاء، بیرونی که زیدگان حوزه‌های علوم و فنون در عصر خود بوده‌اند مزین کرده‌اند.

اما امروز آمار و ارقام نشان می‌دهد که بنیه پژوهشی جهان اسلام از نیرومندی چندانی برخوردار نیست. آماري که در (۱۰-۱۳ مه ۱۹۸۳) در اوکین اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در اسلام آباد پاکستان ارائه شد، بیانگر این است که در سراسر جهان اسلام تعداد کسانی که در حوزه علوم و فنون به تحقیق مشغولند در حدود ۱۳۶/۴۵ نفر است. این رقم همزمان در ژاپن ۴۰۰۰/۰۰۰ نفر و در شوروی ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر بوده است و متأسفانه بیشترین نسبت محققان مسلمان آنانی هستند که در کشورهای پیشرفته غربی سرگرم تحقیق هستند؛ یعنی ۲۰/۰۰۰ نفر.^۴

با کمال شرمندگی باید اقرار کنیم که حتی فهرست جامعی از مقاله‌ها و تألیفات مؤلفان و پژوهشگران جهان اسلام در اختیار پژوهشگران خود قرار نداده‌ایم. تاکنون دیگران فهرست تهیه کرده‌اند که هر چند فهرستهای جهانی نام دارد، ولی جامع کلیه آثار کشورهای اسلامی نیست.

علل و عوامل مختلفی در ایجاد این وضع مؤثر بوده‌اند که یکی از مهمترین عوامل ضعفهای تحقیقاتی ما ناتوانی در پرورش محققان است. مشکل دیگر امکانات مادی لازم است؛ چرا که این گونه کارها دقیق، پرزحمت و طاقتفرسا، دیر ظهور و پرخرج است و جز با حمایت‌های ملی و دولتی به سامان نمی‌رسد.

یکی از عواملی که به جامعه اطلاع رسانی مسلمانان مربوط می‌شود، نداشتن مرکزیت اطلاع رسانی نیرومند و جامع در سطح جهان اسلام است، که در آمد آن به طور قطع، وجود مرکز اطلاعاتی قوی و جامع در هر یک از کشورهای عضو می‌باشد.

بدیهی است اطلاعاتی که در جهان معاصر تولید می‌شود در جهت نشر فرهنگ اسلامی نیست. مسلمانان باید به تولید و ساماندهی اطلاعات خویش پردازند؛ چرا که تکیه به منابع بیگانه به نوعی از وابستگی می‌انجامد. لذا کشورهای اسلامی باید به پژوهشهای بنیانی و کاربردی در تمام حوزه‌های فعالیت

۳. مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی، دکتر عباس حرّی.

۴. مشکوة، ج ۶ (۱۳۶۳)، ص ۹۵ و ۹۹.

علمی بشری پردازند و اگر آغاز کرده اند تقویت کنند.

در حال حاضر، ما ظاهرآ از یک طرف با اطلاعات بسیار پرارزش رو به رو هستیم و از سوی دیگر در فقر اطلاعات مورد نیاز و مطلوب بسر می بریم. این در شرایطی است که حدود بیست درصد منابع انسانی جهان را نیز تشکیل می دهیم.

یکی از علل فقدان اطلاعات مطلوب، اهمیت لازم ندادن به استعدادهای علمی و پژوهشی و عدم ایجاد برنامه های زیربنایی در تنظیم اطلاعات موجود در مدارك و منابع غنی اسلامی ماست تا به عنوان ابزاری که اطلاعات ما را در قالبی منظم و منسجم قرار داده و ارائه نماید به کار گرفته شود.

در حقیقت نیاز به برنامه های فراگیر برای اطلاعات جهان اسلام ضروری است. توسعه زیربنایی خدمات اطلاع رسانی شرط اساسی ورود اطلاعات ما در شبکه ها و ارائه خدمات پیشرفته جهانی است.

پرداختن به اصطلاحنامه علوم اسلامی یکی از بنیادیترین خدمات اطلاع رسانی در جهت سامان دهی اطلاعات معارف اسلامی در جوامع انسانی است و تلاشی اصولی است برای هماهنگی ذخیره و بازیابی اطلاعات در زمینه های مختلف علوم و معارف دین مبین اسلام.

جایگاه اصطلاحنامه در نظام اطلاع رسانی علوم اسلامی

یکی از بهترین روشها و کاملترین ابزار در اطلاع رسانی علوم اسلامی اصطلاحنامه است. زیرا در سیستم اصطلاحنامه، می توان اصلیتترین مقالات و کتب و دیگر مدارك را با کوتاهترین و دقیقترین کلمات بیان کرد. این کلمات که کلید واژه ها هستند، فشرده ترین صورت چکیده های خلاصه شده اند که حامل حداکثر اطلاعات می باشند.

توجه به این نکته لازم است که اگر اصطلاحنامه به سیستم ماشینی سپرده شود و ابزار ذخیره و بازیابی اطلاعات آن قرار گیرد، این دو بخوبی می توانند سنگینی بار اطلاعات را تحمل کرده و فقط آنچه نیاز واقعی محقق است برآوردند.

یکی از نخستین گامهای ضروری در بهره گیری بهینه از کامپیوتر، موضوع نگاری و رده بندی موضوعات در هر حوزه علمی است. چون زبان کامپیوتر بر اساس منطقی نظام مند استوار است.

اصطلاحنامه یکی از بهترین شیوه ها در ارائه اطلاعات علوم اسلامی است؛ زیرا هرگاه مجموعه اصطلاحات در یک حوزه معرفتی رابطه های منطقی و سلسله مراتبی (اعم و اخص و ...) آنها به دقت بررسی و تنظیم شود، می تواند اصلیتترین مفاهیم و موضوعات

آن حوزه را با کوتاهترین و دقیقترین کلمات ممکن بیان کند. هر متخصص با نگاه کردن به چند واژه تخصصی مربوط به رشته خود که در کنار هم قرار گرفته و یا به گونه ای (به صورت دستی و یا کامپیوتری) با هم ترکیب شده اند، درمی یابد که بحث اصلی بر سر چیست و اصطلاح مورد نظر او در چه بخشی از کل شبکه منظم حوزه مورد نظر قرار دارد و زیربخشها و فرابخشهای آن کدامند.

تهیه چنین سیستمی برای هر علم نقش مهمی در موارد ذیل دارد:

۱. ترسیم گویا و جامع از ساختار علم.
۲. تجسم بخشیدن به نظم منطقی که معمولاً در مباحث و موضوعات هر علمی باید حاکم باشد.
۳. آسان کردن تحقیقات در اطراف موضوعات علوم از طریق ارائه جایگاه هر موضوع و موضوعات مرتبط زیربخش و فرابخش آن (اعم و اخص و ...).
۴. تحول در نظام آموزشی حاکم بر علوم.

به دیگر سخن، اصطلاحنامه نگاری فصل تازه ای است برای تنظیم اطلاعات مورد نیاز در منابع و مدارك. رشد انتشار اطلاعات در شکلهای مختلف آن، موجب رشد شیوه شناسایی، ذخیره و بازیابی اطلاعات و گشوده شدن فصل تازه ای در تنظیم آنها شده و هنر یا علمی را به نام اصطلاحنامه نویسی به وجود آورده است. لذا در این مقال ابتدا به تعریفی از اصطلاحنامه علوم اسلامی اشاره می شود و آنگاه برخی از اهداف اصلی و کاربردی آن را بیان می کنیم و سپس مروری گذرا بر کارنامه اصطلاحنامه علوم اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم خواهیم داشت.

تعریف اصطلاحنامه علوم اسلامی

اصطلاحنامه علوم اسلامی، مجموعه اصطلاحات استاندارد شده در حوزه علوم اسلامی است که فهرستی منظم از واژه های کلیدی و کاربردی آن حوزه را ارائه می دهد و کنترل کننده واژه ها و برگردان آنها از زبان طبیعی به زبان نمایه ای است. و از نظر ساختاری، گنجینه واژگان کنترل شده و سازمان یافته در این زمینه خاص است. به عبارت دیگر اصطلاحنامه علوم اسلامی، کلید واژه های نظامدار و فشرده ترین صورت چکیده های خلاصه شده است که در مواردی جای کتاب را گرفته و حامل حداکثر اطلاعات با حداقل

ضایعات است.

این استاندارد با تدوین اصطلاحنامه تخصصی خرد^۵ آغاز شده است تا آن شاء الله زمینه ای باشد برای تهیه اصطلاحنامه کلان علوم اسلامی.^۶

منطقی هر اصطلاح را مشخص می کنیم. این عمل با اینکه خیلی مفید و ارزشمند است، اما کار ساده ای نیست.

ب) اهداف کاربردی

۱. در دست داشتن فهرست منظمی از واژه های یک موضوع برای انتخاب آسان، صحیح و هماهنگ نمایه ها.
۲. نظارت مستمر بر واژگان نمایه سازی و اطمینان بخشیدن به نمایه ساز در استفاده مناسب از اصطلاحات و حد و مرز دادن به جایگاه کاربردی آنها.
۳. زیان نمایه ای ساختار و کنترل شده و قابل استفاده در نظام نمایه سازی همارا.

۴. وسیله ذخیره و بازیابی اطلاعات در علوم و معارف اسلامی.

۵. آسان کردن بهره گیری از کامپیوتر از طریق فراهم آوردن زبان منطقی و نظام مند برای موضوع و یا علم مورد نظر که یکی از نخستین گامهای ضروری استفاده بهتر از کامپیوتر است.

۶. کمک به محققانی که در رشته ای خاص از علوم اسلامی به تحقیق می پردازند، به عنوان ابزار منبع و مرجع.

۷. اصطلاحنامه می تواند در تهیه پایان نامه ها به دانش پژوهان علوم اسلامی اطلاع دهد که برای تحقیق خود کدام موضوع و تا چه مقدار مباحث «فرا تر یا فرو تر» از آن را باید مورد مطالعه قرار دهند.

۸. کمک به کتابداران و کسانی که با طبقه بندی موضوعی سر و کار دارند.

۹. اصطلاحنامه علوم اسلامی به عنوان زبان ارتباطی نمایه سازی، دارای اهداف و کاربردهای زیر است:

یک: ارائه اصطلاحات استاندارد در یک زمینه معین از علوم اسلامی.

دو: برقراری ارتباط میان نمایه ساز و استفاده کنندگان و ایجاد هماهنگی میان آنها در ذخیره و بازیابی اطلاعات و به کارگیری مفاهیم معین.

ج: کنترل مترادفات و شبه مترادفات و تعیین اصطلاحات مجاز و مشخص کردن حدود معانی اصطلاحات برای ایجاد یکدستی و دقت در نمایه سازی مدارک و منابع.

اهداف اصطلاحنامه علوم اسلامی

الف) اهداف اصلی

۱. تهیه طرحی از حوزه های دانش علوم اسلامی برای نشان دادن روابط منطقی میان مفاهیم اصطلاحات و ترسیمی کلی و مجموعی از ساختار آن حوزه ها.

۲. تهیه واژگانی استاندارد برای حوزه های موضوعی مذکور به منظور یکسان سازی مدخلهای نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات.

۳. تهیه و تنظیم مشترکات لفظی در هر علم، بویژه علوم اعتباری، که یکی از لغزشگاههای مهم در تحقیق است، به وسیله اصطلاحنامه صورت می گیرد.

۴. تهیه نظام ارجاعات بین اصطلاحات مترادف و شبه مترادف، برای کاربرد اصطلاحی واحد از مجموعه مترادفات و ... در شبکه اصطلاحات.

۵. تهیه راهنما برای محققان، نمایه سازان و استفاده کنندگان، جهت انتخاب اصطلاح صحیح برای موضوع مورد جستجو.

۶. اصطلاحنامه علوم اسلامی به شکلهای الفبایی، ترسیمی و نظام یافته تنظیم می شود که هر کدام کاربرد خاص خود را دارد. و چون به شکل نظام یافته به همراه متمم الفبایی نیز تنظیم می گردد، اصطلاحات و واژه های کاربردی هریک از آن حوزه ها را به صورتی سازماندهی و طبقه بندی می کند که ویژگیهایی نظیر موارد ذیل را به دست خواهد داد.

یک: مجموعه اصطلاحات هر رشته را به صورت سلسله مراتبی از عام به خاص (حاکم به تابع) و با حفظ همه جنبه های اصلی و فرعی و وابسته، به شکلی نظام دار نشان می دهد؛ به گونه ای که تمامی اصطلاحات حاکم و تابع و زیربخشهای منطقی آنها در یک دید و نگاه کلی به نمایش درمی آید.

دو: جایگاه اصلی و جنبی تمام اصطلاحات آن رشته، در ساختار کلی به همراه روابطی که با یکدیگر دارند، تعیین می شود. در واقع هیچ اصطلاحی در اصطلاحنامه علوم اسلامی نیست مگر اینکه رابطه مفهومی آن با اصطلاحات دیگر مشخص شده باشد. بنابراین با ایجاد این نظام و طبقه بندی موضوعات علم، در حقیقت دست به کنترل اصطلاحات می زنیم و جایگاه

5. Microthesaurus.

6. Macrothesaurus.

کارنامه اصطلاحنامه علوم اسلامی

مسأله اصطلاح (کلید واژه) و مباحث مربوط به اصطلاح شناختی، از اموری است که با شروع نمایه سازی در معاونت مطالعاتی و نظام اطلاع رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه) به عنوان ابزار ذخیره و بازیابی اطلاعات نمایه شده مطرح بوده است و برای شناسایی اصول و روشهای استاندارد و قابل قبول در فن نمایه سازی و اصطلاح شناسی، تلاشهایی شده است و - بحمدالله - رشد قابل تحسینی در مجموع کارها بوجود آمده است.

در همین راستا و به منظور پشتیبانی نمایه سازی، اداره اصطلاحنامه علوم اسلامی تشکیل شد. از همان ابتدا مطالعاتی نیز در زمینه اصول و مبانی اصطلاحنامه نویسی صورت گرفت و به همین منظور، «اصطلاحنامه یونسکو» و «اصطلاحنامه ایریک» و «اسپاینز» مطالعه و مقدمه آنها نیز ترجمه شد. در نتیجه، اوکین ویرایش جزوه آموزشی «ساختار اصطلاحنامه» آماده گردید و پس از آن بحث «اصطلاحنامه علوم قرآنی» و «اصطلاحنامه فلسفه» مطرح شد.

چون اساس کار نیروی انسانی بود، فعالیت زیادی برای شناسایی نیرو انجام گرفت و تعدادی از طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم برای آموزش و آشنایی با نمایه سازی و اصطلاحنامه نویسی جذب شدند و گروه اصطلاحنامه فلسفه اسلامی و علوم قرآنی راه اندازی شد که پس از مطالعات لازم در سال ۷۳ فعالیت اصلی خود را آغاز کردند.

یکی از مشکلات در تمام مراحل، توجیه نیروها، آموزش آنها و برنامه ریزی در موضوعی بود که سابقه دانشگاهی و حوزوی نداشت و اوکین کار در زمینه اصطلاحنامه علوم اسلامی بود که می بایست انجام شود.

تجدیدنظرها و اصلاح برخی شیوه های یکی از مسائلی بود که وقت گروهها و بویژه گروه علوم قرآنی را که بیشتر، محط آزمایش طرحها و برنامه ها و تجدیدنظرها واقع شده بود، می گرفت.

امیدواریم این حرکت، آغاز خوبی باشد برای به سامان رسیدن اصطلاحنامه جامع علوم اسلامی از طریق اصطلاحنامه های تخصصی که این مرکز سعی بر انجام آن دارد. قابل ذکر است که اصطلاحنامه علوم قرآنی و اصطلاحنامه فلسفه در تعداد معدودی در اوایل سال ۱۳۷۵ آماده شد و در اختیار صاحب نظران قرار گرفت و هم اکنون در حال چاپ می باشد. همچنین تدوین اصطلاحنامه های اصول فقه و کلام اسلامی از سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ آغاز شده است و طرح تدوین اصطلاحنامه فقه نیز در برنامه سال ۱۳۷۶ قرار دارد.

یادآوری

۱. در باره اصطلاحنامه آنچه تا سال ۱۳۷۴ نوشته شده به لاتین است و غالباً در زمینه علوم تجربی و محسوس کار اساسی انجام شده است. ما در علوم اسلامی و اصولاً در علمی که جنبه اعتباری بودن آنها قوی است در برقرار کردن روابط معنایی اصطلاحنامه ای، با تعریفی که از اعم و اخص و وابسته می شود، مشکلاتی داریم که به صورت موردی باید مطرح شود. البته مواردی را نیز سیاستگذاری می کنیم، ولی به لحاظ اینکه مصمم هستیم سلیقه ای عمل نکنیم و تابع ضابطه ای مورد قبول باشیم، نشستهای مختلفی را با صاحب نظران در اطلاع رسانی و اساتید حوزه و دانشگاه در قم و تهران برای حل معضلات فنی و علمی برگزار کرده ایم که به عنوان سرمایه مهمی در سوابق کار مرکز تحقیقات نگهداری می شود.

۲. تعریف ما از علوم اسلامی عبارت است از علمی که در حوزه علوم اسلامی پرورش یافته و یا به صورت فعال مطرح می شود. ما وارد مسأله پر دامنه تقسیم بندی علوم نشده ایم. در عین حال این را هم مسلم گرفته ایم که علمی تحت عنوان علوم اسلامی داریم و ابتدا برای تیمن و اعتنای خاص به قرآن کریم از علوم قرآنی شروع کرده ایم که مطمئناً جزء علوم اسلامی نیز هست.

۳. رابطه میان علوم اسلامی و علوم انسانی و مرزی که احیاناً آنها به یکدیگر متصل می کند، چیست؟ تعیین این رابطه ما را در اصطلاحنامه جامع علوم اسلامی کمک خواهد کرد. کارشناسان و صاحب نظران اگر چارچوبی برای علوم انسانی و در کنار آن علوم اسلامی ارائه دهند، بسیار کارساز و موجب امتنان خواهد بود.

۴. طرح ریزی مرکز اطلاع رسانی علوم اسلامی را بر اساس استانداردهای قابل قبول در دنیا و همچنین تأسیس «فرهنگستان علوم اسلامی» را به منظور انضباط بخشیدن به مطالعات و اعتلای معارف اسلامی با موافقت مقام معظم رهبری و به دلایل زیر در حوزه علمیه قم پیشنهاد می کنیم.

الف - زمینه پذیرش طرحهای جدید در حوزه علوم اسلامی، مخصوصاً در نیروهای جوان.

ب - اطلاعات بالفعل و بالقوه موجود در آن و وجود نیروی انسانی مناسب و کافی.

ج - وجود مراکز تحقیقاتی فعال در زمینه های مختلف علوم اسلامی در قم.

